چهار احتمال در اجزاء صوم مندوب یوم الشک از صوم واجب شهر رمضان

بحثی که الآن در این روایت مطرح است، این است که سنت چه کار کرده است؟ یادتان هست که هفته قبل بحث کردیم؟ عرض من این بود که در روایت هشام تعبیری «لان السنة جاءت في صيامه علی أنه من شعبان» بود، این سنت با فضای وجوب صوم یوم الشک، اگر از ماه مبارک باشد، چه کار کرده است؟

عرض شد که فعلاً سه جور میتواند نیت بکند که مورد اتفاق است. «علی انه من شعبان»، «علی انه من رمضان»، «ان کان و ان کان». در «علی انه من رمضان» که بحث این روایت هست، چهار جور میتواند نیت کند؛ یوم الشک را روزه میگیرد، علی انه من شهر رمضان عمداً که شبهه تشریع و زیاد کردن در آن قوی میشد. فرض دوم این بود که روزه میگیرد علی انه من شهر رمضان جهلاً؛ واقعا نمیداند که نمیتواند نیت کند و جهل به مسأله دارد.

شاگرد: یعنی فکر میکند که میتواند یوم الشک را نیت بکند.

> 6:52

استاد: بله، جهلاً است، نه عمداً. سوم هم این است که یوم الشک را علی انه من شهر رمضان روزه میگیرد، سهواً مسأله را میداند اما الآن سهو کرده. سهو خیلی وسیع است. و چهارم؛ یوم الشک را روزه میگیرد علی انه من شهر رمضان، عمداً در چند جلسه پیش هم از این احتمال صحبت شد. یعنی میگوید یوم الشک اصلاً یوم الشک نیست؛ ماه شعبان سی ندارد. سیام ماه شعبان اول ماه مبارک است. یعنی خودش اول ماه مبارک است، عمداً. یعنی «للعمل بروایات العدد». این هم مد نظرتان باشد. بنابراین این نیت میتواند در چهار صورت بیاید.

الآن هم میخواهیم فروض بحث سنت «علی انه من شعبان» را بررسی کنیم. این برای بستر بحث و فروض آن بود. حال بحث سر این است که این سنت چه کار کرده است. جلسه قبل چهار احتمال را عرض کردیم. «لان السنة جاءت في صيامه علی أنه من شعبان»؛ باید نیت شعبان کند. خب اگر نیت شعبان کرد، مجزی است. اگر به سنت عمل‌کرد مجزی است. چرا مجزی است؟ چهار احتمال داشت. اول؛ از باب دلیل حاکم بود. دلیل حاکم که همین سنت است، میگوید در یوم الشک شما نیت شعبان بکن؛ علی انه من شعبان روزه بگیر؛ شما که روزه گرفتی و به سنت عمل کردی، ولو بعدا معلوم شود که اول ماه مبارک بوده، حکومتاً برای شما ماه مبارک نبوده. دلیل حاکم به تضییق در موضوع است.

احتمال دوم این بود که ماه مبارک بوده و موضوع هم همان بوده، فقط بر شما که به سنت عمل کردی و نیت شهر شعبان کردی، صوم روز اول ماه مبارک، واجب نبوده. تخصیص در حکم میشود. یعنی ماه مبارک بوده ولی بر تو واجب نبوده. بنابراین قضا هم ندارد. دارم توجیه میکنم که وقتی به سنت عملکرد، چرا مجزی است. یعنی چرا قضا ندارد. وجه اول این بود که اصالً برای تو ماه مبارک نبوده، حکوماً. وجه دوم این بود که ماه مبارک بوده ولی روز اول بر تو واجب نبوده. چون تو به سنت عمل کردی و بهعنوان سیام ماه شعبان روزه گرفتی. این هم تخصیص است.

فرض سوم هم تفضل بود که فرمایش مرحوم شیخ انصاری بود. سنت چه کار کرده؟ میگوید به نیت سیام شعبان روزه بگیر، اگر بعداً معلوم شد که ماه مبارک است، همه ماه مبارک بوده که من کاری با موضوع ندارم، و همه اینکه روزه ماه مبارک واجب بوده و وجوب آن را حتی برای تو تخصیص نزدهام. ولی شما که به سنت عمل کردی و نیت سیام شعبان کردی، بدل از آن واجب قرار میگیرد. سنت، فردی را بهعنوان بدل درست میکند که بدل از فرد مأمورٌبه واقعی است.

فرض چهارم؛ قضیه داعی به داعی بود. برای اینکه ماه مبارک از مکلف فوت نشود...؛ واقعاً ماه مبارک است و روزه آن همه واقعاًواجب است، و ثبوتا بالفعل واقعی همه میشود ولی در تحقق و احراز موضوع شک دارد، در اینجا وقتی که وجوب بالفعل است، بدل درست نمیکند، شارع میخواهد که مأتیٌبه مکلف دقیقاً فردی از مأمورٌبه باشد. ولی خب درحالیکه شک دارد، چه کار کند؟ احتیاط را چطور برای او تبیین کند؟ به نحو داعی به داعی. میگویی بیا تا یادت بدهم. استصحاب از قواعد خیلی خوب است. شما سیام شعبان نیت کن که داعی مباشری تو این است که ماه شعبان است، اما داعی اصلی شارع و همه مکلف که در طول این داعی مباشری است، این است که اگر ماه مبارک بود، روزه را گرفته باشم. چون وجوبش بالفعل شده بود. این داعی نهایی است. پس سنت به نحو داعی به داعی دارد احتیاط برای صیام اول شهر را انجام میدهد. پس چرا قضا ندارد؟ چون مأتیٌبه او عین مأمورٌبه است، مأمورٌبه را انجام داده، چرا قضا داشته باشد؟!

بازبینی #1
ایجاد شده 20 مه 2026 11:43:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2026 11:43:45 توسط ... .